

فهیمة فرسایى، داستان‌نویس در رشته حقوق قضایى تحصیل کرده است.

او در دوران دانشجویى در نشریات «گروه فرهنگى کیهان» قلم مى‌زد. به خاطر انتشار داستانى در مجله تماشا او را بازداشت و محکوم کردند.

پس از انقلاب، در سال ۱۹۸۳ ایران را ترک کرد. از آن زمان تاکنون در آلمان زندگى مى‌کند.

از فهیمة فرسایى پنج رمان و مجموعه داستان به زبان آلمانى منتشر شده است:

«میهن شیشه‌ای»، «زمانه مسموم»، «گریز و داستان‌های دیگر»، «مواظب مردها باش، پسرم!» و «آن سه‌شنبه‌ای که مادرم تصمیم گرفت آلمانى شود»

برخى از این آثار به فارسى، انگلیسى و اسپانیایى ترجمه و منتشر شده‌اند.

فهیمة فرسایى جایزه «داستان تبعید» از نشر باران در سوئد، بورس ادبى هاینریش بل و فیلم‌نامه‌نویسى ایالت نوردراین وستفالن را به دست آورده. او عضو انجمن جهانى قلم و کانون نویسندگان آلمان است.

از فهیمة فرسایى به تازگى مجموعه داستان «کاساندرامقصر است» منتشر شده.

«کاساندرامقصر است» شامل یک داستان نیمه‌بلند به همین نام است که پیش از این در یک نشریه آلمانى‌زبان چاپ شده و دو داستان کوتاه به نام «دروغ‌های مقدس» و «زندگى آب رفته».

این کتاب در ۱۳۲ صفحه توسط نشر ارزان در سوئد منتشر شده است.

نیلوفر دهنى درباره این کتاب مى‌نویسد:

«فرسایى در داستان‌های این مجموعه که قرار است به زبان آلمانى نیز منتشر شود، زبان طنزآمیزی را به کار مى‌گیرد، اما از لحن شخصیت‌ها غافل نمى‌ماند و هر داستان را با لحنى متمایز روایت مى‌کند. فهیمة فرسایى در بازآفرینى لحن شخصیت‌ها اصولاً تبحر دارد و در آثار دیگرش هم این ویژگی بارز است.»

**Fahimeh Farsaie**

**Autorin und Journalistin**

eBooks von **Fahimeh Farsaie** im Dittrich Verlag:

**"Die gläserne Heimat"**

**"die tageszeitung"** über das Buch:

*»Fahimeh Farsaie benutzt die traditionelle Metaphorik orientalischer Dichtkunst nicht, um Reichtum und Lebenslust zum Ausdruck zu bringen, sondern um psychologische Vorgänge sichtbar zu machen. 'Glas' bedeutet für sie nicht Glück, sondern stechender Schmerz.«*

**"Vergiftete Zeit"**

**"Süddeutsche Zeitung"** über den Roman:

*»Die Anteilnahme bewirkt die Autorin vor allem durch ihre unerhört suggestive, unter die Haut gehende und das Gewissen quälende Fähigkeit, die unbeschreiblichen Leiden der Einsamkeit und der Trennung in Worte zu fassen.«*

**„Eines Dienstags beschloss meine Mutter Deutsche zu werden“**

**„Frankfurter Allgemeine Zeitung“** über den Roman:

*»Das Ziel der Integration ist, und das macht diesen Roman so überraschend, eben nicht die /überstrapazierte Disziplinarkultur der Hausmeister und Bürohengste, sondern genau jenes alternative Individualistentum, das zum Deutschtum eine leicht larmoyante Distanz einhält.«*